



The foundations and principles of creating true security in the light of the teachings of Sahifa Sajjadiyah

Mohammad javad Tavakkoli khaniki ¹ | Mahdi Ilbeygi ²

1. Corresponding Author, Assistant Professor , Department of Quran and Hadith Sciences, Mashhad Faculty of Quranic Sciences, University of Holy Quran Sciences and Education, Mashhad, Iran Tavakoli@quran.ac.ir

2. Master's student , Department of Quran and Hadith Sciences, Mashhad Faculty of Quranic Sciences, University of Holy Quran Sciences and Education, Mashhad, Iran

Abstract

The establishment and maintenance of security depends on understanding specific epistemological and executive principles. Any deficiency or misunderstanding of these principles leads to instability and the erosion of societal security. Various scholars have attempted to define and achieve security through different theories; however, the limitations of human understanding and the lack of comprehensive perception of this concept doubly emphasize the necessity and importance of research. The present article, organized through a descriptive-analytical method, aims to enumerate the foundations and principles of establishing security from Al-Sahifa al-Sajjadiyya. The research findings include: a) Individuals' awareness of their rights and responsibilities. b) Establishing healthy relationships based on mutual respect. c) Social justice which enhances the sense of security and prevents deviant behaviors. d) Development and strengthening of spirituality that contributes to both inner and social security. Thus, the epistemological foundations and executive principles serve as a constitutional framework, proposed in the form of five general principles: Tawheed (monotheism), Wilayah (guardianship) and leadership as the epistemological foundations and theoretical principles that must be accepted and taught to others to achieve true security in society. Utilizing faithful and competent individuals, Strengthening and cultural development, Maintaining dignity in foreign relations. These three principles have been identified and presented as the basis for establishing true and sustainable security. It should be noted that each principle serves as a prerequisite for the subsequent one.

Keywords: Sahifa Sajjadiyah', Security, Monotheism and Guardianship , Efficient Human Resources , Cultural Development , Dignity Towards Foreigners.

Volume info

Vol. 18
Series: 68
Autumn 2025
P.P: 39-69

Article Type

Research Paper

Article History

Received:
2024-12-31
Revised:
2025-05-15
Accepted:
2025-06-09
Published:
2025-11-29

ISSN – E-ISSN

ISSN: 2538-1857
E-ISSN: 2645-5250



Cite this article: tavakkoli khaniki, M. J., & ILBAYGI, M. (2025). The foundations and principles of creating true security in the light of the teachings of Sahifa Sajjadiyah. *Security Horizons*, 18(68), 39-69.
DOI: [20.1001.1.25381857.1404.18.68.2.6](https://doi.org/10.1001.1.25381857.1404.18.68.2.6)



Publisher: Imam Hossein University.

© The Author(s).



مبانی و اصول ایجاد امنیت حقیقی در پرتو معارف صحیفه سجادیه

محمدجواد توکلی خانیکی^۱ | مهدی ایل بیگی^۲

۱. نویسنده مسئول: فارغ التحصیل علوم سیاسی مقطع کارشناسی ارشد، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق^(ع). تهران، ایران. m.faroojy@isu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری روابط بین الملل، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق^(ع). تهران، ایران.

۳. استادیار علوم سیاسی (مسائل ایران)، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق^(ع). تهران، ایران.

چکیده

امنیت از موضوعات مهم زندگی است. ایجاد و بقای آن در گرو شناخت همه جانبه اصول معرفتی و اجرایی است که هرگونه ضعف و یا درک اشتباه از این اصول، عامل بی ثباتی و از بین رفتن امنیت جوامع می شود. اندیشمندان با ارائه نظریات مختلف سعی در تعریف و تحقق امنیت داشته لکن نقصان فهم بشری و عدم درک همه جانبه این مقوله بر کسی پوشیده نیست. مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی سعی در پاسخ به این سوال دارد که چگونه می توان یک ساختار جامع بمتابیه یک قانون اساسی ارائه داد تا با توجه به آن، بتوان ابعاد مختلف امنیت در زندگی اجتماعی را به اجرا درآورد بگونه ای که زندگی سعادت‌مندانه انسان در این بستر تامین شود؟. تنها راه مطمئن در فهم صحیح مقوله امنیت و ایجاد آن، با جست‌وجو در قرآن و معارف اهل بیت β به عنوان منبع اصیل معرفت امکان‌پذیر است. در این میان معارف امام سجاد γ در قالب دعاها و کتاب صحیفه سجادیه قابل توجه است. مقاله حاضر با احصاء مبانی و اصول ایجاد امنیت حقیقی از کتاب مذکور، در قالب پنج اصل کلی، یک چنین ساختار جامعی را پیشنهاد داده است. اصل توحید و اصل ولایت و رهبری به عنوان اصول معرفتی و نظری، باید مورد قبول و آموزش قرار گیرد تا بر مبنای آن بتوان به امنیت حقیقی دست یافت. در مرحله اجرا نیز اصول استفاده از نیروهای مومن و کارآمد، تقویت و توسعه فرهنگی، عزت نسبت به بیگانه، کشف و ارائه شده است بگونه ای که هر اصل مقدمه برای ورود به اصل بعدی است و دیگر شاخصه هایی که ممکن است مدنظر باشد در ذیل اینها می توان قرار داد.

کلیدواژه‌ها: صحیفه سجادیه، امنیت، توحید و ولایت، نیروی انسانی کارآمد، توسعه فرهنگی، عزت نسبت به بیگانه.

سال و شماره

سال ۱۸، پیاپی: ۶۸
پاییز ۱۴۰۴
صص: ۶۹-۳۹

نوع مقاله

مقاله پژوهشی

سابقه مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۱
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۲/۲۵
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۹
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۹/۰۸

شاپا چاپی و الکترونیکی

شاپا چاپی: ۱۸۵۷-۲۵۳۸
الکترونیکی: ۵۲۵۰-۲۶۴۵



استناد: توکلی خانیکی، محمدجواد، و ایل بیگی، مهدی. (۱۴۰۴). مبانی و اصول ایجاد امنیت حقیقی در پرتو معارف

[DOR: 20.1001.1.25381857.1404.18.68.2.6](https://doi.org/10.25381/1857.1404.18.68.2.6)

صحیفه سجادیه. فصلنامه آفاق امنیت، ۱۸(۶۸)، ۳۹-۶۹.

©
نویسندگان.

ناشر: دانشگاه جام امام
حسین(ع).



OPEN ACCESS

مقدمه

امنیت عنصر ضروری حیات هر جامعه‌ای است که با وجود آن، جامعه به حرکت خود ادامه می‌دهد. در جامعه مبتنی بر ایمان و عمل صالح، کسب کمالات و رشد معنوی برای عموم افراد در این شرایط، به راحتی امکان‌پذیر است. اما در غیاب آن، ناامنی و تباهی بر جان انسان و پیکره جامعه رخنه می‌کند. از این رو باید برای ایجاد امنیت و آسایش تلاش کرد و آنچه را که به نفع جامعه اسلامی و در تحقق اهداف والای دین کمک کار است، فراگرفته شده و به اجرا درآید و آنچه که با عقاید عالی و مقدّسات دین منافات دارد، کنار زده شود (Moghniyah, 2009: 122).

با این وجود که مسلمانان به معارف الهی و نبوی و علوی دسترسی داشته و این مسئله بدیهی را همگان درک می‌کنند، متأسفانه تاریخ زندگی‌شان، چیز دیگری را نشان می‌دهد. تا قرن‌های متوالی، ناامنی و آثار سوءش را تجربه کرده‌اند بگونه‌ای که تا به اکنون نیز این آثار سوء، هم از حیث نظری و هم عملی بر پیکره جهان اسلام و اذهان اندیشمندان غرب زده آن باقی مانده است. به عنوان نمونه در قرن اول هجری در عصر امام سجاد ۷ آن همه ظلمی که بر خاندان عصمت و طهارت β صورت گرفت و شیعیان به خاک و خون کشیده شدند، نمونه بارزی از عدم امنیت و به فساد کشیدن جامعه توسط دشمنان دین است.

در چنین شرایطی امام سجاد ۷ ناچار می‌شود تنها با ابزار دعا، وظیفه خود را در باب احیای دین و جامعه به سرانجام برساند و معارف دین را که تحریف و یا از بین رفته است، دوباره در معرض تعلیم قرار دهد. ایشان در شرایط مختلفی از زندگی خود، این دعاها را ابراز داشته‌اند و در نتیجه یک مجموعه پر محتوا از معارف اعتقادی و آموزه‌هایی در زمینه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی را گرد هم آورده‌اند. لکن این کتاب با عمق محتوایی که دارد، کمتر در جامعه علمی مورد توجه قرار گرفته است و ابعاد علمی آن در زمینه‌های مختلف مغفول مانده است.

آنچه در این دعاها به عنوان رابطه بین خداوند متعال و بنده‌اش وجود دارد، در یک مرتبه نازل تر به یک رابطه خاص بین انسانها با یکدیگر بر می‌گردد و همچنین رابطه انسانها با یکدیگر در حقیقت به رابطه بین انسان و خداوند بازگشت دارد. به عنوان نمونه در قرآن کریم آمده است: (إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ) همانا آنها که با تو بیعت می‌کنند در حقیقت فقط با خدا بیعت می‌نمایند (فتح/۱۰). و در آیه دیگر آمده است: (مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ) کسی که از پیامبر

اطاعت کند در حقیقت اطاعت خداوند کرده است (نساء/۸۰) و یا در جای دیگر می‌فرماید: (قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ) بگو ای پیامبر اگر خداوند را دوست می‌دارید از من پیروی کنید تا خدا هم شما را دوست بدارد (آل عمران/۳۱).

این رابطه دو سویه بدین خاطر است که وقتی انسان از خداوند، طلبی دارد و خداوند می‌خواهد این طلب را برآورده کند، قطعا از یکسری ابزار و واسطه‌هایی استفاده می‌کند تا این خواسته برآورده شود. در نظام عالم، برخی از این اسباب و واسطه‌ها خود انسانها هستند و در مسیر برآورده شدن این حاجت‌ها قرار می‌گیرند تا نیازهای بندگان، در پرتو اراده الهی تحقق یابد. لذا وقتی امام سجاد ۷ به عنوان انسانی معصوم که خطا در گفتار و رفتار و وجود ندارد و وظیفه‌اش هدایت انسان به سمت کمالات حقیقی است، نیازهایی را با خداوند در میان می‌گذارد، در حقیقت هدفشان تعلیم معارف و حقائق و راهکارهای ایجاد آنهاست. لذا مومنین درک می‌کنند که لامحاله در این مسیر قرار گیرند و برای برآورده شدن این نیازها تلاش کنند. چنین کوششی هم تحقق اراده خداوند را نشان می‌دهد و هم برای ایشان کمال آفرین است.

مهمترین نیاز انسان که دیگر نیازهای او نیز در ظرف تحقق این نیاز برآورده می‌شود، مسئله امنیت است. تنوعات گسترده در باب نظریات امنیت و ابعاد مختلف آن در حوزه‌های سیاسی، حقوقی، نظامی و ... نشان می‌دهد که این نظریه‌ها برگرفته شده از پیش فرض‌های خاصی در حوزه هستی‌شناسی و بخصوص انسان‌شناسی و نیازها و غایت زندگی او است. در این میان آنچه مهم است فهم میزان اصالت و ارزشمند بودن این نظریات و منطبق بودن آنها با حقیقت انسان و نیازهای اوست. اندیشمندان حوزه امنیت نیز به درستی درک کرده‌اند که باید از خود پرسند درباره امنیت چه کسی صحبت می‌کنند و چگونه میتوان بدان دست یافت؟ (Rezaei et al, 2024: 40)

این مطلب تنها با رجوع به منابع اصیل دینی و با کمک گرفتن از عقل بدور از هرگونه جانب‌داری و تمایلات نفسانی بدست می‌آید. با توجه به اهمیت این موضوع، یک اندیشمند مسلمان و مومن باید بتواند با کمک از منابع دینی امنیت را به معنای حقیقی تعریف کند و در جهت تحقق و شکوفایی استعدادهای انسان در زندگی تا رسیدن به قرب الهی تلاش کند. لذا پژوهش حاضر با توجه به جایگاه مهم این مقوله، به دنبال جواب به این مسئله است که امنیت به معنای حقیقی‌اش چگونه قابل درک و دست‌یابی است؟

برای پاسخ به این مسئله چاره‌ای نیست جز اینکه برای شناخت و تحقق امنیت، از منبع وحی و مجاری آن کمک گرفته شود. چرا که درک انسان محدود است و هیچ اندیشمندی نمی‌تواند با افکار محدود خود از آسیب نقصان ایده‌هایش رهایی یابد.

از این رو در این نوشتار با مطالعه کامل کتاب صحیفه سجادیه سعی بر این است با استنباط یک ساختار کلی در جهت ایجاد امنیت، که هم شامل مبانی معرفتی و هم اصول اجرایی بمثابة یک قانون اساسی باشد، قدمی در جهت تحقق آرمانهای دینی و سعادت انسان برداشته شود. از آنجا که امنیت در ساحت‌های مختلف زندگی بشر اثرگذار است، لازم است تا الگویی ارائه شود که بتواند این ساحت‌ها را پوشش دهد و ابعاد مختلف آن را در برگیرد. از این رو مستندسازی این الگو مورد توجه است. نکته دیگر آنست که زندگی انسان، بصورت یک واحد منسجم است و هرگونه تغییری در یک ساحت در دیگر ساحت‌ها اثرگذار است. لذا این الگو باید بگونه‌ای باشد تا نتیجه رعایت آن، پوشش همه جانبه این ساحت‌ها باشد. این الگو هم باید کامل باشد و هم پایدار و متناسب با الگوی وجودی انسان باشد بگونه‌ای که برخواسته از نیازهای انسانی در جنبه‌های روحی و معنوی و زندگی دنیایی شامل رفتار فردی و اجتماعی باشد. نگارندگان امیدوارند الگو ارائه شده بتواند پاسخگوی این نیازها باشد.

ادبیات پژوهش

مفهوم امنیت

واژه امنیت از ریشه "امن" به معنای آرامش خاطر و از بین رفتن بیم و هراس است. (Ragheb Esfahani, 1995: 1/205). این واژه با مشتقاتی مانند استیمان، ایمان و ایمنی همراه است که به مفهوم اطمینان و آرامش در برابر خوف، تفسیر شده است و شامل دو بعد ایجابی و سلبی است؛ از یکسو، اطمینان و آرامش فکری و روحی و از سوی دیگر، فقدان خوف، دلهره و نگرانی، که موجب سلب آرامش و اطمینان می‌شود (Akhavan Kazemi, 2015: 107).

اما در اصطلاح، اندیشمندان تعریف‌های مختلفی از امنیت ارائه داده‌اند. در این حوزه اجماعی وجود ندارد و تعاریف گوناگون و حتی متعارضی وجود دارد. برخی ممکن است امنیت را آنچه‌چنان محدود در نظر بگیرند که تنها هدف آن، حفظ حیات باشد در حالیکه عده‌ای دیگر معتقدند امنیت موجب آن باید باشد که یک کشور از اعمال نفوذ دشمن مصون باشد و در جهت تقویت نظامی

آنقدر می‌توان تلاش کرد بدون اینکه در جامعه ارزش‌های اخلاقی مطمح نظر باشد. زیرا هدف از امنیت، تامین منافع فرد یا گروه خاص است و از این رو می‌توان از هر وسیله در هر جهتی که لازم باشد استفاده کرد (Khan Ahmadi, 2012: 181). اینچنین نگاههایی برخواسته از تفکر ناقص بشری به امنیت است و ریشه در شناخت ناقص نسبت به انسان و نیازهای او دارد.

در این نوشتار امنیت حقیقی مراد است یعنی آن آرامشی که برگرفته از تعالیم دینی باشد و مطابق با فطرت انسان در جهت شکوفایی و استعدادهایش باشد بگونه‌ای که تا ابد از نتایج نیک آن بهره‌مند شود. در حقیقت این دین است که مایه امنیت و سعادت دنیا و آخرت انسان می‌شود و آموزه‌های دینی و رعایت آنها در حقیقت منجر به امنیت حقیقی می‌شود (Muezzin Jami, 1999: 58).

در حالیکه با فهم تعالیم دینی، این نکته قابل اهمیت است که حفظ ارزشها و آرمان‌های انسانی در داخل یک جامعه و هدایت دیگر انسانها به سوی کمال حقیقی نیز خود به نوعی از آثار امنیت حقیقی است (Muezzin Jami, 1999: 48).

از این رو بررسی امنیت در جنبه‌های مختلف زندگی انسان باید مدنظر باشد. مهمترین این جنبه‌ها عبارتست از: ارزشهای معنوی، حفظ عقل در برابر خیال زدگی، حفظ جان در برابر دشمنان و حفظ مال و اموال. با توجه به این موارد، امنیت به موارد مختلفی تقسیم می‌شود که از آنها با عناوینی همچون امنیت فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، روانی، قضائی، غذایی، بهداشتی و ... نام برده می‌شود.

پیشینه پژوهش

تنها مقالات معدودی پیرامون بحث امنیت با استفاده از معارف صحیفه سجادیه نوشته شده است که در زیر به آنها اشاره می‌شود.

جدول ۱. پیشینه پژوهش

ردیف	نویسنده / نویسندگان (سال پژوهش)	عنوان پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش
۱	محمدی، کاظمی نصرآبادی (۱۴۰۲)	بررسی سیما و منظر مرزداران در صحیفه سجادیه	دعای ۲۷ صحیفه سجادیه پیرامون مرزداران و ویژگی‌های آنها است و بگونه‌ای همه‌سویگر، فراگیر، دارای نکته‌های ظریف توحیدی، اخلاقی و عرفانی در صحنه نبرد و مرزبانی است. در این دعا به صفات و ویژگی‌های

جدول ۱. پیشینه پژوهش

ردیف	نویسنده/ نویسندگان (سال پژوهش)	عنوان پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش
			مرزبانان چون: بصیرت، صبر، حسن نیت، شجاعت، پرهیز از شهرت و ربا، عمل خالصانه برای خداوند، شهادت طلبی، خداباوری، لزوم فراگیری آموزه‌های دفاعی و فنون تاکتیکی جنگ و مرزداری اشاره شده است.
۲	مومن (۱۴۰۲)	واکاوی شیوه‌های مقابله با نفوذ دشمن در جهاد تبیین مبتنی بر آموزه‌های صحیفه سجادیه	شیوه‌های مقابله با نفوذ دشمن از طریق جهاد تبیین را می‌توان در دو حوزه‌ی پدافندی و آفندی با توجه به رهنمودهای امام سجاد علیه السلام مورد بررسی قرار داد. در حوزه‌ی پدافندی یا دفاعی، از طریق تقویت نمودن باور و ایمان به خدا در میان مردم جامعه، بصیرت‌افزایی، شناساندن همه‌جانبه‌ی دشمن و به دنبال آن ترویج فرهنگ دشمن‌ستیزی در جامعه، می‌توان همچون دژ مستحکم به مقابله با نفوذ دشمن پرداخت. در بخش آفندی یا تهاجمی نیز بکارگیری شیوه‌هایی چون خلع سلاح، تضعیف روحیه، ارباب و تهدید دشمنان و مشغول نمودن آنها به یکدیگر، نقش مهمی در خنثی‌سازی نقشه‌های نفوذی دشمن دارد.
۳	اخوان کاظمی (۱۳۸۶)	دکترین و سیاست‌های دفاعی امنیتی در صحیفه سجادیه	با توجه به معارف دعای ۲۷ و ۴۹ صحیفه سجادیه می‌توان گفت جنگ طلبی ناپسند است و تنها در راه حق و اهداف توحیدی قابل قبول است و سربازان این جنگ باید شریعت مدار، عدالت محور، صبور، شجاع و شهادت طلب باشند و نیروهای نظامی باید در آمادگی کامل باشند و از حیث کمی و کیفی باید روز به روز ارتقا یابند و زمینه‌های

جدول ۱. پیشینه پژوهش

ردیف	نویسنده/ نویسندگان (سال پژوهش)	عنوان پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش
			نفوذ دشمن و راههای تقویتشان را شناسایی و از بین ببرند. در این میان بسیج نیروهای مردمی و مشارکت همگانی در امر دفاع نیز توصیه شده است بگونه ای که حتی ناتوانان در امر جهاد نیز می‌توانند در پشتیبانی نیروها نیز مثمر ثمر باشند.
۴	علوی وفا، طباطبائی نیا (۱۴۰۱)	واکاوی امنیت اجتماعی در سیره امام زین العابدین، مطالعه موردی صحیفه سجادیه	امنیت در دو قالب امنیت دنیوی و امنیت اخروی تعریف شده است. امنیت دنیایی، در ابعاد امنیت اجتماعی، سه بخش را شامل می‌گردد: امنیت جانی، امنیت اقتصادی و امنیت اخلاقی. عوامل امنیت ساز و امنیت سوز نیز احصا شده است. امنیت ساز شامل: ایمان به خدا، همجواری با اولیای خدا، انس با قرآن، اعتقاد به معاد، فانی دانستن دنیا، امنیت شغلی، اعتدال در دوستی و دشمنی، حفظ وحدت. و امنیت سوز شامل خودی و دشمن. در خصوص خودی: انجام گناه و آرزوهای دراز. در خصوص دشمن: ترس و بیم، عدم آرامش روانی، ناامیدی و یأس، بیماری جسمی و روحی، شایعه، اختلاف، بحران آب و غذا، حوادث غیرمترقبه، خشکسالی، بحران جمعیتی. ما حاصل اینکه توجه به این موارد می‌تواند جامعه را از رسیدن به بحران‌ها مصون نگه داشته و دشمن را به ناامنی و نابودی مبتلا نماید.

با این حال تعداد کارهای انجام شده در خور شان و جایگاه علمی صحیفه سجادیه نیست و این معارف ظرفیت کار بیشتری را می‌طلبد و در این میان فقط مقاله چهارم بصورت گسترده به ابعاد مختلف امنیت اشاره کرده است. نوآوری اثر حاضر آنست که اولاً به موضوع امنیت و ابعاد آن با نگاه ساختاری و تحلیل رابطه مولفه‌های کلی تحقق آن، پرداخته است تا اولاً یک نگاه اجمالی جامع بتوان به مقوله امنیت داشت و ثانیاً با تحقیقات بیشتر بتوان هرگونه جزئیات جدید را در قالب این نظام‌واره، طبقه بندی کرد تا در حوزه علمی و آینده نگری بتوان با نقشه راه از پیش تعیین شده پیش رفت و به سردرگمی در کثرت جزئیات دچار نشد.

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش از طریق منابع کتابخانه‌ای به شکل توصیفی-تحلیلی سعی بر آنست با استفاده از معارف امام سجاده^۷ در صحیفه سجادیه، مبانی و اصول ایجاد امنیت به شکل حقیقی و پایدار مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. در این زمینه با استقراء موارد مختلف، ۵ اصل کلی استخراج و ارائه شده است. ترتیب این اصول، با یک نگاه ساختار گرایانه بگونه‌ایست که هر اصل به لحاظ معرفتی یا عمل خارجی مقدم بر اصل بعدی است.

مبانی علمی ایجاد امنیت حقیقی

مبانی جمع کلمه مبنا از ریشه "بني" به معنای ساختن شیء، گرفته شده است (Qurashi, 1992: 1/232). از این رو مبنا به چیزی گفته می‌شود که اساس کار قرار می‌گیرد و دیگر اشیاء بر پایه آن ساخته می‌شود. در این نوشتار مراد از مبانی علمی مجموعه اصولی است که جنبه نظری و اعتقادی دارند که در نهایت هرگونه فعالیت خارجی بر مبنای توجه به این اصول انجام می‌گیرد.

باید دانست تحقق هر پدیده اجتماعی و گستره آثار مثبت و یا منفی آن منوط به مبانی و پیش زمینه‌های فکری ایجاد آن است. هر چقدر این مبانی از ریشه مستحکم عقلی و فطری برخوردار و به معارف الهی به عنوان سنن و قواعد نظام هستی، نزدیکتر باشد، امکان ایجاد و آثار مطلوب آن پدیده نیز با توقع بیشتری همراه است.

از این رو لازم است این مبانی در ابتدا بیان شود تا دیگر اصول بر پایه آنها استوار و مورد بحث واقع شوند. با توجه به اینکه امنیت حقیقی بستر رشد و کمال انسان را آماده می‌سازد باید دید غایت این کمال چیست؟ و مسیر رسیدن به آن و نحوه سیر چگونه است؟ تا بعد با توجه به جواب این دو سوال، بتوان فهمید چگونه این بستر مهیا می‌شود. با بررسی صحیفه سجادیه از بیانات امام سجاد ۷ این مطلب به دست می‌آید که غایت توحید است و مسیر و کیفیت طی این مسیر، توسط انسانهای منتخب از طرف خداوند که دارای مقام ولایت و رهبری هستند، مشخص می‌شود.

لذا این مبانی در قالب دو اصل: ۱. توحید و ۲. ولایت و رهبری در ادامه به شکل تفصیلی خواهد آمد.

۱. توحید

ریشه‌ای ترین بنیان فکری هر انسانی خداباوری است. قرآن کریم می‌فرماید: (وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ) به خاطر بیاور زمانی را که پروردگارت از پشت و صلب فرزندان آدم ذریه آنها را برگرفت و آنها را گواه بر خویشتن ساخت و فرمود آیا من پروردگار شما نیستم گفتند آری گواهی می‌دهیم (اعراف/۱۷۲). در این آیه معرفت خداوند به انسان شناسانده شده است و به صورت یک حس درونی ذاتی به ودیعه گذارده شده است (Makarem Shirazi et al, 1992: 7/6). حتی باید گفت تمام موجودات هستی در برابر خداوند، چیزی جز خداباوری و حرکت به سمت او ندارند. امام سجاد ۷ می‌فرماید: لَا أِبْتَدَعَ بِقُدْرَتِهِ الْخَلْقَ ابْتِدَاعًا، وَ اخْتَرَعَهُمْ عَلَىٰ مَشِيئَتِهِ اخْتِرَاعًا ثُمَّ سَلَكَ بِهِمْ طَرِيقَ إِرَادَتِهِ، وَ بَعَثَهُمْ فِي سَبِيلِ مَحَبَّتِهِ P بقدرت و توانائی خود آفریدگان را آفرید، و آنان را باراده و خواست خویش بوجد آورد بی آنکه از روی مثال و نمونه‌ای باشد سپس آنان را در راه اراده و خواست خویشتن روان گردانید، و در راه محبت و دوستی بخود بر انگیخت (دعای ۴ و ۳/۱). از این فراز بخوبی دانسته می‌شود که دو چیز در جان انسان علاوه بر توحید، به ودیعه گذاشته شده است: ۱. حرکت در جهت اراده الهی و ۲. حرکت در جهت محبت و میل به پروردگار. حقیقت این حرکت بگونه‌ای است که رفتار آدمی، با خود و دیگر موجودات را جدا از اراده خداوند نمی‌داند و هر گونه عمل شخصی و اجتماعی را مطابق با این وضعیت تنظیم

می‌کند. آنچه که امروز با عنوان تروریسم شناخته میشود و یا با عنوان جرائم سازمان یافته برنامه ریزی می‌شود، محصول غفلت و فراموشی انسان از این امانت‌هایی است که در اختیار دارد بگونه‌ای که دیگر طمانینه و آرامش در درون خود ندارد و تبعات جبران ناپذیر نسبت به امنیت اجتماعی و روانی مردم به دنبال دارد (Abedi et al, 2024: 238).

اما مومنین با مدیریت عقل خود، تعادل لازم را بر قوای درونی خود همچون قوه غضب یا شهوت برقرار کرده و با پذیرش ولایت الهی کمال خود را در رسیدن به قرب الهی تأمین می‌کند (Mousavi et al, 2021:130). در یک مرتبه بالاتر توحید، آنچه‌ان در جان انسان مومن رسوخ می‌کند که در تمام شئون زندگی خود چیزی جز خدا را نمی‌بیند و به کسی جز او علاقه‌ای ندارد و همه جنبه‌های علمی و عملی زندگی او رنگ خدا می‌گیرد. این مطلب چراغ پر فروغی است که در تمام فرازهای صحیفه سجادیه به چشم می‌خورد. امام سجاد ۷ در این رابطه می‌فرماید: لَا فَاِئِي لَمْ أُصِيبْ خَيْرًا قَطُّ إِلَّا مِنْكَ، وَ لَمْ يَصْرِفْ عَنِّي سُوءًا قَطُّ إِلَّا مِنْكَ، وَ لَا أَرْجُو لِأَمْرِ آخِرَتِي وَ دُنْيَايَ سِوَاكَ P من هرگز جز از جانب تو بخیر و نیکی نرسیده‌ام و هرگز جز تو کسی بدی را از من بر نگردانده است و برای کار آخرت و دنیا هم جز تو را امیدوار نیستم (دعای ۴/۴۸). حتی غایت زندگی نیز در نگاه امام سجاد ۷ نیز توجه به خداوند است، ایشان می‌فرماید: لَا حَتَّى ظَهَرَ أَمْرُكَ، وَ عَلَتْ كَلِمَتُكَ، وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ P تا امر و فرمان تو آشکار شود و کلمات بلند گردید هر چند مشرکین کراهت داشته باشند (دعای ۲۲/۲). نکته‌ای که در این میان مغفول مانده و از ذهن مکاتب مختلف بشری دور مانده است، تحقق نظام حقیقی انسانی در پرتو توحید است. به تعبیر دیگر اگر خدا باوری کنار زده شود، اصلاً جامعه انسانی‌ای شکل نمی‌گیرد و امنیت دیگر معنا پیدا نمی‌کند. امام سجاد ۷ می‌فرماید: لَا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَوْ حَبَسَ عَن عِبَادِهِ مَعْرِفَةَ حَمْدِهِ عَلَي مَا أَبْلَاهُمْ مِنْ مَنَنِهِ الْمُتَتَابِعَةَ، وَ أَسْبَغَ عَلَيْهِمْ مِنْ نِعْمِهِ الْمُتَنَظَّاهِرَةَ، لَتَصَرَّفُوا فِي مَنَنِهِ فَلَمْ يَحْمَدُوهُ، وَ تَوَسَّعُوا فِي رِزْقِهِ فَلَمْ يَشْكُرُوهُ. وَ لَوْ كَانُوا كَذَلِكَ لَخَرَجُوا مِنْ حُدُودِ الْإِنْسَانِيَّةِ إِلَى حَدِّ الْبَهِيمِيَّةِ فَكَانُوا كَمَا وَصَفَ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ: إِنَّهُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا P سپاس خدای را که اگر بندگانش را از شناختن سپاسگزاری خود بر نعمتهای پی در پی که بایشان داده باز می‌داشت، هر آینه نعمت‌هایش را صرف نموده، او را سپاس نمی‌گزاردند و در روزی که عطا فرموده فراخی می‌یافتند و شکرش بجا نمی‌آوردند و اگر چنین می‌بودند از حدود انسانیت بمرز حیوانیت روی می‌آوردند و چنان بودند

بوسیله ایشان و بدست‌های آنها واقع می‌گردد (دعای ۱۲/۴۸). حضرت در جای دیگر می‌فرماید: $\text{لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فَأَنْتَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِالْمُحَمَّدِ بْنِ الرَّفِيعَةِ، وَالْعَلَوِيَّةِ الْبَيْضَاءِ، وَ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِهَمَا P}$ بار خدایا پس من بوسیله منزلت بلند پایه محمد α و مقام گرامی علی γ بسوی تو تقرب می‌طلبم و بسبب آنان بدرگاہت رو می‌آورم (دعای ۱۶/۴۹). امام سجاد γ در این دعاها به مومنین می‌آموزند، تنها و تنها یک طریق واقعی در مسیر سعادت بشر وجود دارد و آن تبعیت از پیامبر اکرم و خاندان اهل بیت β و چنگ زدن به ولایت ایشان است.

باتوجه به آنکه شناخت حقیقت و تامین امنیت مبتنی بر شناخت انسان و نیازهای اوست، این شناخت با فهم ناقص بشری و تمایلات نفسانی او به تنهایی امکان ندارد. به عنوان نمونه در جایی که پیشه‌وران امنیت، خود به تعریف نیازها و موضوعات و طرح ریزی بر مبنای تمایلات و منافع سودجویانه خود اقدام کرده و خود را مرجع مشروع در حل مسائل امنیت می‌دانند، رژیم حقیقت شکل می‌گیرد. یعنی آنچه ایشان می‌گویند حقیقت است و آنچه دیگران می‌گویند باطل است. لذا صاحبان قدرت خود تعیین می‌کنند که چه چیزی را بر حسب واقعیت بزنند و نوعی شناخت خاص را به عنوان حقیقت به دیگران تحمیل کنند ولو ناخودآگاه (Rezaei et al, 2024: 71). در اینصورت یک استثمار فکری و مسخ عقیدتی در افراد جامعه پدید آمده و امکان تشخیص حقیقت از باطل برای مردم سلب می‌شود و فقط بیچارگی و هرج و مرج نصیب انسان می‌شود. همانگونه که از زبان شیطان، عدم پیروی از حق و ثمره آن اینگونه بیان شده است: $\text{(وَلَأُضِلَّنَّهُمْ وَلَأُمَنِّيَنَّهُمْ وَ لَأَمُرَّنَّهُمْ فَلْيُبْتَئِكُنَّ آذَانَ الْأَنْعَامِ وَ لَأَمُرَّنَّهُمْ فَلْيَغَيِّرُنَّ خَلْقَ اللَّهِ)}$ و آنان را سخت گمراه و دچار آرزوهای دور و دراز خواهم کرد و به آنها دستور می‌دهم که گوش چهارپایان را قطع کنند و آفرینش خدایی را تغییر دهند (نساء/۱۱۹). در شرایط کنونی جهان نیز، به وضوح روشن است که با کنار گذاشتن این اصل اساسی چگونه ناامنی و ظلم در جهان در حال وقوع است. امروز نیز شیطان به حزب خود دستور می‌دهد تا با بمب‌های مختلف، زنان و کودکان بی‌گناه را بکشند و خلق خدا را با ابزارهای اتمی و شیمیایی و با عنوان تامین امنیت و از بین بردن تروریسم سرکوب سازند. (Moghniyah, 1999: 2/697).

لذا باید افرادی باشند تا به حقیقت دست‌یابی داشته باشند و مردم ایشان را بشناسند و به پیروی از ایشان به کمال واقعی نه موهوم ساختگی برسند. از این رو امام سجاد γ در بخش دیگری

می فرماید: لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَيَّدْتَ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ يَا مُمَامٍ أَقَمْتَهُ عَلَمَا لِعِبَادِكَ، وَ مَنَاراً فِي بِلَادِكَ بَعْدَ أَنْ وَصَلْتَ حَبْلَهُ بِحَبْلِكَ، وَ جَعَلْتَهُ الدَّرِيْعَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ، وَ افْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ، وَ حَذَرْتَ مَعْصِيَتَهُ، وَ أَمَرْتَ بِامْتِثَالِ أَوَامِرِهِ، وَ الْإِنْتِهَاءِ عِنْدَ نَهْيِهِ، وَ أَلَا يَتَقَدَّمُهُ مُتَقَدِّمٌ، وَ لَئِنْ تَأَخَّرَ عَنْهُ مُتَأَخِّرٌ فَهُوَ عِصْمَتُهُ اللَّائِذِينَ، وَ كَهْفُ الْمُؤْمِنِينَ وَ عُرْوَةُ الْمُتَمَسِّكِينَ، وَ بَهَاءُ الْعَالَمِينَ P بار خدایا تو دین خود را در هر زمان بوسیله امام که او را برای بندگانت علامت و در شهرهایت نشانه، بر پا داشته‌ای، تأیید و کمک کرده‌ای پس از آنکه پیمان آن امام را ببیمان خود پیوسته و او را سبب خوشنودی خویش گردانیده‌ای و طاعت و فرمانبری از او را واجب نموده و از فرمان نبردن از او ترسانیده‌ای و فرمانبری فرمانهایش و باز ایستادن از نهی و باز داشتنش و باینکه کسی از او پیشی نگیرد و از او واپس نماند فرمان داده‌ای پس اوست نگهدار پناهندگان و پناه اهل ایمان و دستاویز چنگ زدگان و جمال و نیکوئی جهانیان (دعای ۶۰/۴۷).

تأمین امنیت مبتنی بر این است که هر فرد از جامعه این اصول نظری را بشناسد و در این راه استقامت از خود نشان دهد. امام سجاد γ از خداوند اینگونه طلب می کنند: لَكُوْ وَفَّقْنِي لِطَاعَةِ مَنْ سَلَدْتَنِي، وَ مُتَابَعَةِ مَنْ أَرْشَدْتَنِي P پروردگارا بفرمانبری آنکه مرا براه راست آورد و پیروی کسی که مرا راهنمایی نماید توفیقم ده (دعای ۸/۲۰).

باید دانست در عصر امپراتوری رسانه‌های شیطان و امواج گمراهی، فهم حقیقت بدانگونه که هست، بیش از پیش باید مدنظر اندیشمندان مسلمان حوزه امنیت باشد تا بتوانند با چنین فضائی به درستی مقابله کنند. البته در عصر حاضر با غیبت امام زمان γ متابعت از مرشد و راهنما تعطیل نشده است بلکه به دستور اهل بیت β مسئولیت این امر بر عهده فقیهان دین قرار داده شده و مرجع فهم نیازهای مومنین از منابع دین بشمار می آیند.

اصول ایجاد امنیت حقیقی

اصل در لغت به معنای پایه و اساس است. گفته می شود: اصل الشیء به معنای ریشه و پایه آن شیء است بگونه ای که اگر آن ریشه را در خیال فرض کنیم که بلند شده است آن شیء نیز بلند می شود. (Ragheb Esfahani, 1995: 1/78).

مراد از اصول ایجاد امنیت حقیقی در این پژوهش، مجموعه ابزارهای اجرایی و نیازهای اساسی است که برای ایجاد امنیت در جامعه لازم است که دیگر نیازها را میتوان بگونه ای در ذیل اینها جای داد. این نیازها از یک حیث نسبت به درون جامعه و از یک حیث نسبت به بیرون جامعه با تعامل با غیر است. ابزار اجرایی را در قالب اصل استفاده از نیروهای مومن و کارآمد و نیاز اساسی درون جامعه در قالب اصل تقویت و توسعه فرهنگی و نیاز اساسی برون جامعه در قالب اصل عزت نسبت به بیگانه در ادامه تشریح خواهد شد.

علت نامگذاری و اصل خواندن این موارد از این جهت است که کدام حیثیت و نیاز مهمترین است؟ با بررسی صحیفه سجادیه و آنچه از محتوای آن نگارندگان این پژوهش بدان رسیده‌اند، این ساختار پیشنهاد می‌شود. این مطلب بدین معنا نیست که اینها با هم ارتباطی ندارند بلکه اهمیت و اولویت آنها را بالنسبه با مسائل درون جامعه و برون جامعه نشان می‌دهد.

استفاده از نیروی های مومن و کارآمد

مسیر حرکت زندگی، به شکل طبیعی و معمولی پیش می‌رود و قرار نیست هر اتفاقی بصورت غیر عادی و یا با معجزه صورت گیرد. چرا که در این امر حکمت‌هایی وجود دارد که تنها خداوند و راسخان در علم به آن آگاهی دارند و حکمت پروردگار تعطیل بردار نیست. از این رو در برپایی جامعه دینی و امن نیز روند طبیعی لازم الاجرا است (Makarem Shirazi et al, 1992: 13/192). این شکل طبیعی باید با خواست و اراده مردم باشد. لذا پیامبر اکرم و ائمه طاهرین β نیز این مهم را رعایت می‌کردند و در مواقعی که امکان تحقق برخی مصالح وجود نداشت و مردم همکاری نداشتند، توقف می‌کردند. البته در یک جامعه الهی، اداره جامعه و تحقق اهداف الهی تنها با وجود مردمی میسر می‌شود که مومن و کارآمد باشند تا بتوانند مسئولیت اجرای این امور را بر عهده گیرند و به سرانجام برسانند (Fadlallah, 1998: 15/107). چرا که این گروه در جمیع حالات، قدمی برخلاف نظر و فرمان الهی بر نمی‌دارند و از جان و مال و هرچه که دارند در راه خدا مضایقه نمی‌کنند. اینان هستند که برادران واقعی هستند و بسان یک خانواده با یکدیگر رفتار می‌کنند و پشتیبان و کمک کار یکدیگر هستند. در این مکتب، رابطه‌ها و نسبت‌ها نه تنها بر مبنای نسبت خانوادگی و قومی بلکه بالاتر بر مدار ایمان برقرار می‌شود همانگونه که پیامبر اکرم α

سلمان را ملحق به اهل بیت خود کردند، در جایی که فرمودند: لَا تُقْعِدُوا يَا سَلْمَانُ إِنَّكَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ P بنشین ای سلمان همانا تو از ما اهل بیت هستی (Hilali, 1984: 2/965). امام سجاد γ نیز با بیانی شیوا و تصویر سازی تاریخی صدر اسلام، اصل بکارگیری نیروی انسانی مومن و اهمیت جایگاه ایشان در پیشبرد اهداف پیامبران را در صحیفه سجاده توضیح می دهند و در توصیف ایشان دعای ۴ را که شامل ۱۹ فراز است، مخصوص ایشان قرار داده است. حضرت به تمام مومنین که با اشتیاق به پیروی از پیامبران برخاسته و با دشمنان دین مخالفت کردند از زمان حضرت آدم تا زمان پیامبر خاتم β درود می فرستد و بخصوص درباره یاوران پیامبر اکرم α می فرماید: لَا وَ أَصْحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً الَّذِينَ أَحْسَنُوا الصَّحَابَةَ وَالَّذِينَ أَلْبَسُوا الْبِلَاءَ الْحَسَنَ فِي نَصْرِهِ، وَ كَانُوا فِيهِ وَأَسْرَعُوا إِلَيْهِ وَ قَادَتِهِ، وَ سَابَقُوا إِلَيْ دَعْوَتِهِ، وَ اسْتَجَابُوا لَهُ حَيْثُ أَسْمَعَهُمْ حُجَّةً رِسَالَتِهِ وَ فَارَقُوا الْأَزْوَاجَ وَ الْأَوْلَادَ فِي إِظْهَارِ كَلِمَتِهِ، وَ قَاتَلُوا الْأَبَاءَ وَ الْأَبْنََاءَ فِي تَثْبِيْتِ بُيُوتِهِ P و اصحاب و یاران محمد α آنانکه همراه بودن با آن حضرت را نیکو بی پایان بردند، و آنانکه برای یاری او در جنگ شجاعت و دلاوری برجسته ای آشکار ساختند، و او را یاری کردند، و بایمان آوردن باو شتافتند، و به دعوتش پیشی گرفتند، و دعوت او را آن هنگام که برهان رسالتهای خود را بگوششان رساند پذیرفتند و در راه آشکار ساختن دعوت او از زنان و فرزندان دوری نمودند، و در استوار کردن پیغمبری او با پدران و فرزندان جنگیدند (دعای ۴ و ۳/۴) و در آخر برای ایشان دعا کرده و می فرماید: لَا وَ اشْكُرْهُمْ عَلَى هَجْرِهِمْ فِيكَ دِيَارَ قَوْمِهِمْ، وَ خُرُوجِهِمْ مِنْ سَعَةِ الْمَعَاشِ إِلَيْ ضَيْقِهِ P و ایشان را در برابر آنکه در راه تو از شهرها و خویشاوندان دوری گزیده از زندگی فراخ بتنگی و سختی رو آوردند جزاء و پاداش ده (دعای ۸/۴). حضرت با توصیف ویژگی های ایشان، از جمله سربلند بیرون آمدن در آزمون های الهی، به جان خریدن بلاها، پیشی گرفتن به دعوت انبیا نسبت به بقیه، عدم دلبستگی به خانواده و ... به دیگران می آموزند که پیاده سازی کلمه توحید در جامعه و ایجاد جامعه امن کار بسیار دشواری است و تنها عده ای محدود از عهده آن برمی آیند که در خط انبیا و دارای چنین ویژگی های بارزی باشند.

باید دانست آدمی اگر از مسیر حق دور بماند تفکرات او به سمت انسان محوری و خودخواهی کشانده می شود به نحوه ای که هر انسانی خود را میزان و ملاک تشخیص حقیقت می داند و معیار ارزش ها و بدی ها را تمایلات خود و یا کراهت خود از اشیا قلمداد می کند. از این رو در چنین

حالتی هر چند با دیگران تشکیل یک جامعه می‌دهد و هدف یکسانی را دنبال می‌کنند ولی در درونش احساس جدایی با آنها دارد و در مواقع خطر نشان می‌دهد که از آنها کناره‌گیری می‌کند و برای اهداف خود آنها را فدا می‌کند چرا که هیچ علقه‌ای به آنها ندارد و اصل و میزان را خودش می‌داند. اینگونه جامعه‌ای هر لحظه در معرض فروپاشی است و باید با نظام قهر و غلبه و سرکوب یا با ترویج مظاهر جنسی و شهوترانی و سرگرم کردن مردم بدان، آن را سرپا نگه داشت. در حالیکه امام سجاد ۷ درباره مومنین و ارتباط آنها با یکدیگر می‌فرماید: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَوْصِلْ إِلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ، الَّذِينَ يَقُولُونَ: رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ خَيْرَ جَزَائِكَ الَّذِينَ قَصَدُوا سَمْتَهُمْ، وَ تَحَرَّوْا وَجْهَهُمْ، وَ مَضَوْا عَلَيَّ شَاكِلَتِهِمْ P بار خدایا بهترین پاداش خود را به تابعین و پیروان ایشان که نیکو کردارند برسان آنانکه می‌گویند پروردگارا ما و برادران ایمانی ما را که بایمان بر ما پیشی گرفتند بیامرز آن تابعین و پیروانی که طریقه ایشان را قصد کردند و بانجا که آنان رو آوردند رو نمودند و بر روش آنها رفتار کردند (دعای ۹/۴). این گروه همان‌گونه که خود بر ارزشهای دینی پایبند هستند، بقا و استمرار این ارزش‌ها و نظام دینی نیز توسط کسانی که بعد از آنها نیز می‌آیند ادامه پیدا می‌کند چرا که همه از یک مشرب فکری واحد سیراب هستند و هر لحظه در مسیر استواری قرار دارند نه فروپاشی. به تعبیر دیگر در جامعه مومنین اصل بر امنیت و تقویت و همکاری است و در رفع موانع باید کوشید بخلاف جامعه غیر دینی که اصل بر فروپاشی است و باید برای ایجاد مقتضی تلاش کرد. لذا شایسته است آنچه که برای مومنین از الطاف الهی وجود دارد برای تابعین و پیروان ایشان نیز باشد. از این رو امام سجاد ۷ نیز همانگونه که برای اصحاب پیامبر α دعا فرمودند برای تابعین ایشان نیز اینگونه دعا می‌کنند: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ صَلِّ عَلَيَّ التَّابِعِينَ مِنْ يَوْمِنَا هَذَا إِلَى يَوْمِ الدِّينِ وَ عَلَيَّ أَزْوَاجِهِمْ وَ عَلَيَّ ذُرِّيَّاتِهِمْ وَ عَلَيَّ مَنْ أَطَاعَكَ مِنْهُمْ P بار خدایا از امروز ما تا روز قیامت بر تابعین و زنان و فرزندانشان و بر هر کدام از ایشان تو را اطاعت نموده درود فرست (دعای ۱۳/۴).

۲. تقویت و توسعه فرهنگی

انسان موجود مختار است. از این رو همیشه با یک نوع نزاع در انتخاب‌های خود در جنبه‌های مختلف اعتقادی و عملی، دست و پنجه نرم می‌کند تا به زعم خود بتواند به آنچه که برایش بهتر است دست یابد. گاهی بین حکم خدا و وسوسه‌های شیطان دچار تزلزل می‌شود و گاهی بین حکم عقل و نفس اماره ممکن است مغلوب نفس اماره شود. از این رو پیوسته در معرض لغزش و انحراف قرار دارد و باید لحظه به لحظه به مراقبت از خود پردازد و از طرفی شیطان نیز قسم خورده است، دست از فریب او برندارد و می‌گوید: (فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ) خداوند! به عزتت سوگند همه بنده گان ترا گمراه خواهم کرد مگر بندگان خالص تو از میان آنها (ص/۸۲ و ۸۳). از زمانی که اولین جامعه کوچک ایمانی شکل گرفت، دیری نپایید که با بحران مواجه شد و اولین شخص حضرت آدم ۷ بود که با فریب شیطان مواجه شد و بعد از هبوط ایشان به زمین نیز، نزاع بین حق و باطل - بین دو برادر، هابیل و قابیل - اتفاق افتاد و موجب فساد در زمین شد و این درگیری تا به امروز نیز در نقاط مختلف دنیا وجود داشته و کشت و کشتار بیگناهان و ظلم و ستم و آوارگی را به همراه داشته است. لذا پدیده امنیت در قالب‌های مختلف فردی و اجتماعی، به شدت آسیب‌پذیر و قابل زوال است و افراد جامعه نیز در برابر این آسیب‌ها واکنش‌های مختلفی از خود نشان می‌دهند. عده‌ای از این افراد بر ایمان خود استوار باقی می‌مانند اما از گزند وسوسه‌های شیطان در امان نیستند. گروهی دیگر به دام شیطان گرفتار می‌شوند اما قابلیت اصلاح را دارند و عده‌ای دیگر مطابق دستورات شیطان عمل کرده و امیدی به رستگاریشان وجود ندارد. صحبت پیرامون دسته سوم در بحث ویژگی‌های دشمنان خواهد آمد و در اینجا به دو گروه اول پرداخته می‌شود. با در نظر گرفتن اصل تقویت و توسعه فرهنگی، همزمان می‌توان این افراد را در برابر اینگونه از آسیب‌ها مصون داشت و از طرف دیگر در صورت آسیب، به جبران آن پرداخت. از این رو متناسب با این دو گروه از افراد جامعه، توضیح این مطلب در قالب دو اصل جزئی در ادامه خواهد آمد.

تربیت اخلاقی و ترویج شعائر دینی

هر موجود مادی برای زنده ماندن همواره نیاز به غذا دارد. اگر این غذا مطابق با نیازهای او در جهت رشد و سلامتی باشد از او بهره‌مند می‌شود و برعکس اگر با نیازهای او متضاد باشد او را به هلاکت می‌کشاند. در یک معنای عالی‌تر، انسان در مسیر زندگی معنوی خود نیز همواره نیاز به غذایی معنوی متناسب با رشد روحانی خود دارد و غذای نامناسب از این حیثیت موجب سقوط و افتادن او در ورطه هلاکت ابدی می‌شود. این غذای معنوی همان علم دینی و آگاهی‌های معنوی اوست. (Faiz Kashani, 1994: 5/287). انسان باید غذای معنوی خود را به دو شکل ایجاد و تقویتی دریافت کند، به این معنا که تعالیم اخلاقی و دینی را باید آموزش ببیند تا این معارف در جان او شناسانده شود (مرحله ایجاد) و از طرفی دیگر باید آنها را مورد یادآوری قرار دهد تا در عمل نیز این معارف را در زندگی شخصی و اجتماعی خود بکارگیرد (مرحله تقویت) تا برای او به شکل ملکه درآید و فراموش نشود. در غیر اینصورت یا در زندگی معنوی خود متوقف می‌شود و هرچند رشد جسمانی دارد ولی کودکانه زندگی می‌کند و یا اینکه در نهایت با دریافت القائنات شیطان گمراهی نصیبش می‌شود و به فساد کشیده می‌شود (Tayeb, 1990: 13/396). از این رو لزوم تربیت دینی و ترویج معارف دین بر کسی پوشیده نمانده است. در صحیفه سجادیه نیز این مطلب از لسان امام سجاد ۷ بیان شده است و حضرت به صورت جزئی‌تر با اشاره به مصادیق مختلف، این مهم را عرضه داشته‌اند. ایشان در بیان اقامه دستورات الهی و آثار آن در جامعه می‌فرماید: لَا وَفَّقَهُمْ لِإِقَامَةِ سُنَّتِكَ، وَالْأَخَذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِكَ فِي إِرْفَاقِ ضَعِيفِهِمْ، وَ سَدِّ خَلَّتِهِمْ، وَ عِيَادَةِ مَرِيضِهِمْ، وَ هِدَايَةِ مُسْتَرْشِدِهِمْ، وَ مُنَاصَحَةِ مُسْتَشِيرِهِمْ، وَ تَعَهُدِ قَادِمِهِمْ، وَ كِتْمَانِ أَسْرَارِهِمْ، وَ سِتْرِ عَوْرَاتِهِمْ، وَ نُصْرَةِ مَظْلُومِهِمْ، وَ حُسْنِ مُوَاسَاةِهِمْ بِالْمَاعُونِ، وَ الْعَوْدِ عَلَيْهِمْ بِالْجِدَّةِ وَ الْإِفْضَالِ، وَ إِعْطَاءِ مَا يَجِبُ لَهُمْ قَبْلَ السُّؤَالِ P بارخدا یا آنان را توفیق ده برای بر پا داشتن دستورات خودت و رفتن گرفتن اخلاق نیک خود در سود رساندن بناتوانانشان، و جلوگیری از فقر و نیازمندی‌شان، و رفتن نزد بیمارشان، و راهنمایی نمودن راه جویشان، و اندرز دادن مشورت کننده‌شان، و دیدار از سفر آمده‌شان، و پنهان کردن رازهاشان، و پوشاندن عیبهاشان، و یاری کردن ستم‌دیده‌شان، و خوب کمک کردنشان در ابزار خانه و سود رساندنشان ببخشش فراوان، و دادن آنچه ایشان را واجب و لازم است پیش از درخواست (دعای ۲/۲۶).

امام سجاد ۷ در این دعا که برای همسایگان و محبین خود دارند، از خداوند متعال می‌خواهد که توفیق برپایی دین خدا و تمسک به فضائل اخلاقی را نصیب ایشان کند و نمونه‌های مختلفی از این فضائل اخلاقی را در این دعا برمی‌شمرند. همچنین ایشان به صورت اختصاصی اخلاق سیئه و مکارم اخلاق (از جمله حسد، بخل، هواپرستی، و ... و محبت، مودت، کظم غیظ، اجرای عدالت و ...) را در دعای ۸ و ۲۰ از صحیفه سجاده بر می‌شمرند. به نظر می‌رسد حضرت می‌خواهند بگویند تمام ارزش‌های انسانی و نظام عدالت اجتماعی، آموزش و پرورش، بهداشت و روابط بین فردی در پرتو عمل به دستورات دینی و تقویت ایمان ممکن می‌شود. از این رو با تحقیق منابع دین در مورد سبک زندگی اسلامی متناسب با فرهنگ قومی و راهکارهای اجرایی آن می‌توان به چنین آرمان‌هایی دست یافت.

در دعای ۴۴ نیز که در مقام ورود به ماه مبارک رمضان است، با بیان فضائل این ماه و رعایت دستورات شرعی در این ماه، به مومنین یادآوری می‌کنند که لحظه لحظه این ماه را در مقام عبادت و بندگی خداوند متعال باشند و همچنین دیگر روزهای سال نیز همچون ماه رمضان را اینگونه سپری کنند. حضرت به خوبی می‌دانند لحظه‌ای غفلت از شیطان و سستی در بندگی خداوند، سقوط انسان را به همراه دارد. از این رو در فراز ۱۴ از دعای ۱۷ که در بیان پناهنده شدن به خداوند متعال از دست شیطان و فریب‌های اوست، حیل‌های او را برمی‌شمرند و راه‌هایی از دست شیطان را توفیق الهی و رعایت تقوا می‌دانند و با بیان راهکار امر به معروف و نهی از منکر که در حقیقت یک نوع نظارت همگانی و مراقبت اجتماعی است، سعی در مصونیت جامعه و پیروان خود از پیروی شیطان دارند. بحث و بررسی آثار هر یک از اعمال عبادی و تاثیر آن بر انسان و یا حیل‌های شیطان در گمراهی افراد و اثر آن بر جامعه در گنجایش این نوشتار نیست و همه آنها را می‌توان در ذیل این اصل قرار داد.

پذیرش خطاکاران

این امکان برای انسان وجود دارد که دست به اعمال مجرمانه بزند و یا معتقد به اعتقادات باطلی شود. اما آنچه مهم است بازگشت به مسیر حق است. اگر راه برگشتی و جبران نباشد تیرگی چیره شده و اضطراب و تنش روانی درون انسان را ویران می‌کند. از نظر روان‌شناسی، عدم بخشودگی جرم و گناه تبهکار، سبب تثبیت تبهکاری‌اش می‌شود (Abbas Nejad et al, 2005: 317). این

مطلب مطابق فطرت انسانی است که تمایل به بخشش و عفو خطایش را دارد. از این رو خالق انسان، به زیبایی به اصل پذیرش خطاکان توجه داشته و با بیانی امیدبخش در آیات قرآن کریم راه را برای بازگشت خطاکاران باز گذاشته است و ایشان را از رحمت خود ناامید نگردانده است. آیه ۵۳ سوره زمر از امیدوار کننده ترین آیات قرآنی درباره بخشش پروردگار نسبت به کسانی است که به زیان خودشان عمل کرده اند. خداوند متعال، نخست ایشان را با لطفی افزون تعبیر به "بندگان من" کرده، و سپس آنان را از رحمت بی دریغش به گونه ای وعده داده که هرگز ناامید نشوند. زیرا خداوند پوشش دهنده تمامی گناهان است. (Sadeghi Tehrani, 2009: 4/428) البته که چنین امری در مورد موحدین انجام می گیرد (Amin, No date: 11/225). در حقیقت این مطالب آموزه ای است که در مرتبه نازله، نظام اجتماعی را مورد خطاب قرار داده، بگونه ای که جامعه قابلیت پذیرش خطاکان را داشته باشد و اصلاح آنها را جدی بگیرد و به تعبیر دیگر به احیا آنها بپردازد. همینطور کسی که انسان گمراه و یا خطاکاری را به سوی ایمان راهنمایی کند و سعی در اصلاح اعتقادات اشتباه او داشته باشد و از فساد برحذر دارد و به صلاح بکشانند او را احیا کرده است. (Tabatabaei, 1995: 5/519). امام سجاد علیه السلام در شرایطی که دین خدا به فراموشی سپرده شده و مردم گمراه و مومنین پراکنده شده اند، این اصل اساسی را اینگونه یادآوری می کنند: Σ اللَّهُمَّ إِنِّي وَجَدْتُ فِيمَا أَنْزَلْتَ مِنْ كِتَابِكَ وَبَشَّرْتَ بِهِ عِبَادَكَ أَنْ قُلْتَ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَيَّ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا P بار خدایا من در کتاب تو که فرو فرستادی، و بندگان را بآن مژده دادی یافتم که فرموده ای، ای بندگان من که بر نفسهای خود اسراف کرده و از حد تجاوز نموده اید از رحمت و بخشش خدا نومید نشوید که خدا همه گناهان را میآمرزد (دعای ۲/۵۰). حضرت در رفتارشان با دیگران و هم با زبان دعا به توده مردم یاد می دهند در چنین شرایطی اینگونه عمل کنند: Σ أَنْ تُرَاجِعَ مَنْ هَاجَرْنَا، وَأَنْ نُنْصِفَ مَنْ ظَلَمْنَا، وَأَنْ نُسَالِمَ مَنْ عَادَانَا حَاشَى مَنْ عُوْدِي فَيْكَ وَ لَكَ، فَإِنَّهُ الْعَدُوُّ الَّذِي لَا تُؤَالِيهِ، وَالْحِزْبُ الَّذِي لَا تُصَافِيهِ P به کسی که از ما دوری گزیده بازگردیم و به کسی که بما ظلم و ستم نموده از روی انصاف و عدل رفتار کنیم و با کسی که با ما دشمنی کرده آشتی نمائیم جز کسی که در راه تو و برای تو با او دشمنی شده باشد، زیرا او دشمنی است که او را دوست نمی گیریم و حزب و گروهی است که با او از روی دل دوستی نمی کنیم (دعای ۱۰/۴۴). این نکته مهم در بیان حضرت را باید مدنظر

داشت که پذیرش خطاکاران فقط شامل کسانی است که امید بازگشت آنها وجود دارد و کسانی که در زمره سپاه شیطان قرار گرفته‌اند و قابلیت برگشت را ندارند، از این بحث خارج‌اند.

امام سجاد ۷ این اصل را با روشهای اجرایی دیگری نیز اینگونه بیان می‌کنند: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَدَّ ذُنُوبِي لِأَنَّ أَعَارِضَ مَنْ عَشَيْتُ بِالنُّصْحِ، وَأَجْزَى مَنْ هَجَرْتَنِي بِالْبُرِّ، وَأُثِيبَ مَنْ حَرَمْتَنِي بِالْبَدْلِ، وَأُكَافَى مَنْ قَطَعْتَنِي بِالصَّلَةِ، وَأُخَالَفَ مَنْ اعْتَابَنِي إِلَى حُسْنِ الذِّكْرِ، وَأَنْ أَشْكُرَ الْحَسَنَةَ، وَأُغْضِبَ عَنِ السَّيِّئَةِ P بار خدایا بر محمد α و آل او درود فرست، و مرا توفیق ده تا با کسی که با من غش نموده از روی اخلاص رفتار کنم، و کسی را که از من دوری کرده به نیکوئی پاداش دهم، و کسی که مرا نومید گردانیده ببخشش عوض دهم، و کسی را که از من بریده به پیوستن مکافات نمایم، و از آنکه از من غیبت نموده به نیکوی یاد کنم، و نیکی را سپاس گزارده از بدی چشم‌پوشم (دعای ۹/۲۰).

با توجه به این اصل فطری نیز در قانون مجازات اسلامی در ذیل مواد ۲۸۱ و ۲۸۷ با اینکه مجازات سختی برای مجرمین قرار داده است لکن به منظور بهره‌گیری اجتماعی بیشتر در اعمال مجازات، مجرمینی که با ضابطان امنیت همکاری می‌کنند مورد تخفیف مجازات و در برخی موارد مورد عفو قرار داده است. این نگاه احیا و بازپروری مجرم در نگاه متفکران غربی نیز تا حدودی مورد توجه قرار گرفته است (Abedi et al, 2024: 244).

آنچه که اینجا گفته شد به نحوی از جمله پیا داشتن شعائر دینی است لکن تربیت اخلاقی در اصل قبلی با نگاه ایجابی و تقویتی بود و پذیرش خطاکاران در اینجا بنا بر تبعات سلبی که دارد به صورت یک اصل جدا از طریق رفع موانع مدنظر قرار گرفته است.

عزت نسبت به بیگانه

عزت حالتی است که از مغلوب بودن انسان مانع می‌شود (Qurashi, 1992: 4/338) از این رو انسان مومن عزیز است و حفظ حرمت و کرامت خود را به شدت مورد توجه قرار می‌دهد و خود را فقط در برابر معامله با خداوند متعال می‌فروشد (Makarem Shirazi et al, 1992: 2/79) و از طرف دیگر در تامین نیازهایش، در برابر دیگران ذلت‌پذیری را به هیچ وجه شایسته شأن خود نمی‌داند (Abbas Nejad et al, 2005: 116). در این رابطه امام سجاد ۷ می‌فرماید: لَا تَجْعَلْ لِفَاجِرٍ وَلَا كَافِرٍ عَلَيَّ مَنَةً، وَلَا لَكَ عِنْدِي يَدًا، وَلَا بِي إِلَيْهِمْ حَاجَةٌ، بَلْ اجْعَلْ سَكُونُ قَلْبِي وَ

أَنْسَ نَفْسِي وَإِسْغْنَائِي وَكِفَائِي بِكَ وَبِخِيَارِ خَلْقِكَ P پروردگارا برای گناهکار و کافر بر من مَنّت قرار مده، و برای او نزد من سلطه‌ای قرار نده و نسبت به ایشان مرا حاجتمند قرار نده، بلکه آرامش دل و الفت جان و بی‌نیازی و کارگزاری مرا بخود و به نیکان خلق خویش قرار ده (دعای ۱۲/۲۱). در این فراز امام به دو گروه فاجر و کافر اشاره می‌کنند. مطابق با آنچه که قبلاً گفته شده است دل‌های مومنان است که با یکدیگر وحدت و الفت دارند و غیر ایشان، دچار یک نوع از هم گسیختگی باطنی هستند و از آنجا که هر گونه وابستگی به این گروه به نوعی نزدیکی فکری و عقیدتی را چه بسا به دنبال داشته باشد تا حد امکان هر گونه رابطه با این گروه باید به حداقل برسد بگونه‌ای که مومنین در پرتو لطف پروردگار، بگونه‌ای تامین‌کننده نیازهای یکدیگر باشند و به نوعی خودکفایی برسند. در منابع دینی در موارد متعدد همچون کمک به ظالمان، دوستی با غیر مسلمانان، شباهت پیدا کردن در لباس و خوراک به اهل کتاب و ... هشدارهایی به اهل ایمان داده شده که در صورت عدم رعایت فوق، بیم گمراهی و ضلالت انسان وجود دارد. از این رو هدایت که مبتنی بر عدم اضطراب قلب و آرامش درونی مبتنی بر ایمان به خداست تنها و تنها با معاشرت با مومنین و تعاون بین یکدیگر بدست می‌آید.

از این فراز فهمیده می‌شود امنیت، که به معنای آرامش و هرگونه عدم اضطراب قلبی است با ایمان به خدا و ارتباط با مومنین آمیخته شده است و از بعد سلبی نیز خود را از غیر مومنین ممتاز و جدا ساختن نیز مدنظر قرار گرفته است. به تعبیر دیگر با این راهبرد از دو جنبه افزایش بهره‌وری و کاهش ریسک در امنیت حقیقی بهره‌برداری می‌شود. مطابق همین مبنای دینی، هر چند خودکفایی در قانون اساسی کشور بخصوص در سیاست‌های کلی اصل ۴۴ در حوزه‌های مختلف اقتصادی و نظامی و کشاورزی و صنعت پیش‌بینی شده است و دولت مکلف به تامین شغل و مسکن و معیشت مناسب و تامین اجتماعی برای اقشار جامعه است لکن تا رسیدن به نقطه مطلوب هنوز دچار سوء استفاده از منابع اقتصادی کشور، رانت و تخریب امنیت و عدالت اقتصادی هستیم و آثار نامطلوب آن بر کسی پوشیده نیست (Batoli et al, 2024: 229).

از این رو جامعه ایمانی باید با سعی خود بتواند نیازهای اقتصادی خود را تامین کند تا از وابستگی به غیر نجات یابد و از طرف دیگر قدرت خود را به رخ کفار بکشد تا دست طمعش به سمت مومنین و استضعاف ایشان کشیده نشود.

متناسب با این دو راهکار، مقوله عزت، در قالب دو اصل جزئی قدرت اقتصادی و قدرت نظامی، بیان می‌شود.

قدرت اقتصادی

پول و ثروت در اندیشه دینی عامل اصلی قوام زندگی شمرده شده است یعنی بدون عنصر مالی انسان نمی‌تواند کمر راست کنی و از این رو ملت فقیر نمی‌تواند استقلال داشته باشد (Makarem Shirazi et al, 1992: 3/ 270). انسان تا زمانی که فراغ بال نداشته باشد، برای او امکان تحصیل مصالح دنیا و عقبی وجود ندارد. بسیاری از وظائف انسان در زندگی با ابزارهای مالی صورت می‌گیرد نظیر پرداخت صدقات و نفقات، آزادی بدهکاران در زندان‌ها، ازدواج و تهیه قوای نظامی و ... از این رو تحصیل مال با این انگیزه از مهمترین ابزارهای کسب سعادت اخروی است. (Fakhr Razi, 1999: 9/496). این مسئله و آثار آن در دو بعد فردی و اجتماعی قابل بررسی است بگونه‌ای که آثار نامطلوب آن می‌تواند از حوزه فردی در زمینه شکست در خودباوری و امید به آینده تا مشروعیت زدایی از حکومت‌ها و عدم اقتدار بین‌المللی در حوزه اجتماعی تصور شود.

امام سجاد ۷، با توجه به اهمیت بالای این مطلب دعای ۳۰ صحیفه سجاده مخصوص به این موضوع قرار می‌دهد و در جهت رفع مشکلات مالی خود اینگونه می‌فرماید: لَا هَبْ لِي الْعَاقِبَةَ مِنْ دَيْنٍ تُخْلِقُ بِهِ وَجْهِي وَ يَحَارُ فِيهِ ذَهْنِي وَ يَتَشَعَّبُ لَهُ فِكْرِي، وَ يَطُولُ بِمَمَارَسَتِهِ شُعْلِي وَ أَعُوذُ بِكَ يَا رَبُّ مِنْ هَمِّ الدَّيْنِ وَ فِكْرِهِ وَ شُعْلِ الدَّيْنِ وَ سَهَرِهِ فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَعِزَّنِي مِنْهُ وَ أَسْتَجِيرُ بِكَ يَا رَبُّ مِنْ ذَلَّتِهِ فِي الْحَيَاةِ وَ مِنْ تَبِعَتِهِ بَعْدَ الْوَفَاةِ فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَجِرْنِي مِنْهُ بِوَسْعِ فَاضِلٍ أَوْ كَفَافٍ وَاصِلٍ P. پروردگارا مرا برهان از وامی که بسبب آن آبرویم را ببری، و هوشم در آن پریشان شود، و اندیشه‌ام بآن پراکنده گردد، و کارم در چاره آن طول کشد و بتو پناه می‌برم ای پروردگارم از اندوه قرض و اندیشه آن، و از کار وام و بیخوابیش، پس بر محمد و آل او درود فرست، و مرا از آن پناه ده، و از تو زنده‌وار و پناه می‌جویم ای پروردگارم از ذلت و خواری وام در زندگی و از وبال و سختی و گرفتاری آن پس از مرگ، پس بر محمد و آل او درود فرست، و مرا بتوانگری بسیار یا روزی باندازه حاجت و نیازمندی بی‌کم و زیاد که همیشه باشد از آن برهان (دعای ۳۰/۲).

حضرت در این دعا آثار مشکلات مالی و تنگ دستی را بیان کرده و به خداوند متعال از این

نگرانی‌ها پناه می‌برند. فقرات این دعا بگونه‌ای نشان‌دهنده آثار ناامیدی اقتصادی است تا جایی که خواب از انسان گرفته می‌شود و ذهن‌ها از مسیر تفکر درست در حل مشکلات باز می‌مانند. همانگونه که در منابع دینی در موارد مختلف عذاب اخروی به خداوند پناه برده می‌شود، سهمگین بودن مشکلات اقتصادی آن را موجب ساخته تا در حل آن چاره‌ای جز به خداوند پناه بردن نباشد چرا که عواقب وخیم آن می‌تواند انسان را به تمایل به کفر و همسو شدن با کافران بکشاند که در مقدمه بحث نیز به آن اشاره شد. دشمنان دین از این موضوع غافل نیستند و لذا نظام سلطه از جمله حرب‌هایی که برای شکست مومنان دنبال می‌کند، ایجاد آشفتگی اقتصادی در جامعه دینی است و به تعبیر مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) هدف نهایی از آن ایجاد گسست بین مردم و نظام اسلامی است (Alavi Razavi et al, 2020: 52).

از این رو بر متصدیان جامعه لازم است که تا حد ممکن در رفع این مشکلات تلاش کنند. حضرت علاوه بر نتایج تنگ دستی در بعد فردی، به آثار اجتماعی آن نیز اشاره می‌کنند و ذلت در زندگی را ثمره آن می‌دانند. لذا جامعه فقیر در نظم اجتماعی کنونی ذلیل خواهد بود و این بهترین زمان برای دشمنان جهت سلطه بر آنها است. پژوهش‌های اخیر در کشور نشان داده است کشورهای بیگانه همچون انگلستان با برنامه ریزی در امور اقتصادی کشور چگونه توانسته‌اند بحران‌ساز شوند و حتی در بعد عملکرد داخلی نیز غفلت از بخش کوچکی از مشکلات اقتصادی نظیر مسائل بانکی چگونه توانسته است فشار اقتصادی را به عمق نظام اجتماعی کشور وارد سازد بگونه‌ای که بازارهای سرمایه، طلا و سکه، مسکن، بهداشت و درمان و مواد غذایی را با بحران مواجه ساخته است و ارزشهای اجتماعی و دینی را به اضمحلال بکشاند و امنیت ملی و بین‌المللی به چالش کشیده شود (Batoli et al, 2024: 227,228 & Hosseini et al, 2019: 111).

امام سجاد ۷ در فقرات دیگر این دعا نیز، راهکارهایی برای برون رفت از شرایط بد اقتصادی ارائه می‌دهند. ایشان می‌فرماید: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاحْتَجَبِي عَنِ السَّرْفِ وَالْإِزْدِيَادِ وَ قَوْمِي بِالْبَدْلِ وَالْإِقْتِصَادِ وَعَلَّمَنِي حُسْنَ التَّقْدِيرِ وَأَقْبَضَنِي بِطُفَيْكَ عَنِ التَّبْدِيرِ وَأَجْرٌ مِنْ أَسْبَابِ الْحَلَالِ أَرْزَاقِي، وَوَجَّهْ فِي أَبْوَابِ الْبِرِّ إِنْفَاقِي وَازْوَعْ عَنِّي مِنَ الْمَالِ مَا يُحْدِثُ لِي مَخِيلَةً أَوْ تَأْدِيًّا إِلَيَّ بَعِي أَوْ مَا أَعْتَقَبُ مِنْهُ طُغْيَانًا اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيَّ صُحْبَةَ الْفُقَرَاءِ وَأَعِنِّي عَلَى صُحْبَتِهِمْ بِحُسْنِ الصَّبْرِ وَمَا رَوَيْتَ عَنِّي مِنْ مَتَاعِ الدُّنْيَا الْفَآئِيَةِ فَادْخِرْهُ لِي فِي خَزَائِنِكَ الْبَاقِيَةِ وَاجْعَلْ مَا حَوَّلْتَنِي مِنْ حَطَايَاهَا، وَ

عَجَّلْتَ لِي مِنْ مَتَاعِهَا بُلْغَةً إِلَى جِوَارِكٍ وَوَصْلَةً إِلَى قُرْبِكَ وَذَرِيْعَةً إِلَى جَنَّتِكَ P بار خدایا بر محمد و آل او درود فرست و مرا از اسراف و زیاده‌روی بازدار و ببخشیدن و میانه‌روی مستقیم ساز و روش نیکو در معیشت و زندگی را بمن بیاموز و مرا بلطف خود از بیجا خرج کردن بازدار و روزی‌های مرا از وسائل حلال روان گردان، و انفاق و خرج کردنم را در راه‌های خیر و نیکی بگردان و آن دارائی را که برای من گردنکشی و خود بینی آورد، یا بظلم و ستم بکشاند یا در پی آن گرفتار طغیان و سرکشی گردم از من بگیر. بار خدایا همنشینی فقراء و درویشان را برایم محبوب گردان و مرا به صبر و شکیبائی نیکو بر همنشینی ایشان یاری فرما و آنچه از کالای دنیای نابود شدنی از من گرفتی پس آن را در گنجینه‌های خود (در آخرت) که همیشگی است برایم اندوخته نما و آنچه از مال و دارائی دنیا که بمن ارزانی داشته‌ای و آنچه از کالای آن که برای من پیش اندوخته‌ای وسیله رسیدن بجوار خود و پیوستن بقرب خویش و وسیله بسوی بهشت گردان (دعای ۳/۳۰ تا آخر).

آنچه در این فقرات قابل تأمل است، شروع دعا با صلوات و توجه دادن به حقیقت ملکوتی ثروت است. این دعا می آموزد مشکلات اقتصادی باید با توجه به شیوه الهی با برنامه‌ای متصل به اندیشه نبوی و علوی حل شود. یعنی ترویج اینگونه خواسته‌های امام سجاد^۷ در رفتارهای اقتصادی مدنظر باشد. هرگونه اسراف و زیاده‌روی ممنوع است و هرگونه عمل اقتصادی و حتی کمک به دیگران باید با نگاه الهی باشد نه از باب اینکه کمک به دیگران و سکوت فقرا موجب امنیت ثروتمندان می شود بدانگونه که در کشورهای غربی کمک به فقرا حتی بر مبنای ضرر و زیان اقتصادی سنجیده می شود. در اندیشه دینی حقیقت اموال، با نگاه دنیا چیزی پست و فناشدنی و موجب اضمحلال انسانیت است ولی با نگاه اخروی و اجر الهی نه تنها از دست نرفتنی است بلکه ثروت خود تبدیل به وسیله‌ای برای نزدیک شدن به قرب الهی و بهشتی شدن است و آنچه در دنیا مصرف می شود در آخرت بسان اندوخته‌ای به انسان برمی گردد و این خود موجب تشویق افراد جامعه در صرف اموال خود و بجریان انداختن ثروت های بلوکه شده در امور خیر خواهد شد. در این میان توجه به سیره معصومین^{۱۳} در مواجهه با امور اقتصادی و تربیت مومنین متناسب با این سیره در شرایط مختلف اقتصادی و برنامه ریزی در اینجهت باید به شدت مورد اهتمام مسئولین و نهادهای فرهنگی و اجرایی کشور باشد.

قدرت نظامی

هر جامعه‌ای برای حفظ و بقای خود سعی در ایجاد تجهیزات و نیروهای دفاعی می‌کند بگونه‌ای که بتواند در هر شرایط محیطی و زمانی در برابر تهاجم فیزیکی دشمنان مقابله کند (Kalantari, 2021: 38). در منابع دینی از این توان دفاعی با عنوان قوه یاد شده است. به تعبیر دیگر هرآنچه در ترساندن دشمنان اثر دارد مصداق آن خواهد بود، همانگونه که مبانی عمیق و دقیق فکری دینی نیز، خود به عنوان یک قدرت فکری در برابر افکار دنیای غرب در شرایط کنونی محسوب می‌شود (Makarem Shirazi et al, 1992: 7/222). دشمن هر لحظه، در کمین کیان اسلامی است و نظام کفر یک برنامه بیشتر ندارد و آن نابودی اسلام و مسلمین است و تا زمانی که در ما قدرتی نیابند به این کار ادامه می‌دهد. امام سجاد ۷ مخصوصاً پیرامون مسائل نظامی و حفظ مرزهای امت اسلامی در دعای ۲۷ از صحیفه سجادیه به این مهم می‌پردازد و در جای جای دیگر این کتاب نیز به این موارد نیز اشاره می‌کند. تحلیل این دعا و روشهایی که امام ۷ در جهاد با دشمنان ارائه کرده‌اند، نیاز به مجال دیگری دارد و در اینجا تنها به ذکر مواردی مختصر اشاره می‌شود. حضرت می‌فرماید: لَا حَصْنَ تُغَوَّرُ الْمُسْلِمِينَ بَعِزَّتِكَ وَ أَيْدِ حُمَاتِهَا بِقُوَّتِكَ وَ أَسْبِغْ عَطَايَاهُمْ مِنْ جَدَّتِكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ كَثِّرْ عِدَّتَهُمْ، وَ اشْحَذْ أَسْلِحَتَهُمْ، وَ اخْرُسْ حَوَزَتَهُمْ، وَ امْنَعْ حَوْمَتَهُمْ، وَ أَلْفِ جَمْعَهُمْ، وَ دَبِّرْ أَمْرَهُمْ، وَ وَاثِرْ بَيْنَ مِيرِهِمْ، وَ تَوَحَّدْ بِكِفَايَةِ مُؤْتِهِمْ، وَ اغْضُدْهُمْ بِالنَّصْرِ، وَ أَعِنِّهِمْ بِالصَّبْرِ، وَ أَلْطِفْ لَهُمْ فِي الْمَكْرِ P پروردگارا مرزهای مسلمانان را بغلبه و تسلط خود استوار ساز، و نگهدارندگان آن مرزها را به نیروی خویش توانائی ده، و بخششهای ایشان را از توانگریت فراوان گردان بار خدایا بر محمد و آل او درود فرست، و عده و شمارش ایشان را بسیار فرما، و سلاحها آنان را تیز و بران نما، و حدود و اطراف ایشان را نگهداری کن، و دور و برشان را محکم گردان، و گروهشان را پیوند و آشنائی ده، و کارشان را شایسته فرما، و آذوقه‌هاشان را پی در پی برسان، و سختیهایشان را به تنهایی کارگزاری کن، و ایشان را بیاری کردن و کمک و به شکیبائی همراهی و در مکر و فریب، دقت نظر عطاء فرما (دعای ۲۷/۱۲۷). در این فراز از دعا امام سجاد ۷ با تاکید بر حفظ قوه نظامی، این نکته را بازگو می‌کنند که مقابله با دشمن نیاز به صبر و زمان طولانی دارد و از طرفی مومنین باید با یکدیگر وحدت کلمه داشته و از تفرقه پرهیزند. چرا که هرگونه ضعف در برابر دشمن آثار جبران ناپذیری به دنبال دارد. ایشان نتیجه ضعف را اینگونه می‌فرماید: لَا وَ خُلَفَاؤُكَ مَعْلُوبِينَ مَقْهُورِينَ مُبْتَرِّينَ، يَرَوْنَ حُكْمَكَ مُبَدَّلًا، وَ

کِتَابِکَ مُبَوِّدًا، وَفَرَائِضِکَ مُحَرَّفَةً عَنِ جِهَاتِ أَشْرَاعِکَ، وَ سُنَنِ نَبِیِّکَ مَتْرُوکَةً P تا اینکه بر گزیدگان و جانشینان تو شکست خوردند و حقشان از دست رفت، حکم تو را تبدیل گشته، و کتاب تو را دور افتاده، و واجبات را از مقاصد راههای روشن تو تغییر یافته، و روشهای پیغمبرت را ترک شده می‌بینند (دعای ۹/۴۸).

قابل تامل است که ضعف در برابر دشمنان در این فقرات مربوط به صدمات مالی و جانی نیست بلکه آنچه بیان شده است از بین رفتن دین خدا، تحریف و دوری از سنت پیامبر اکرم است. این درسی مهم است که حفظ نظام اجتماعی در برابر دشمن تنها برای زندگی دنیا و زنده ماندن نیست بلکه غایت آن سیر تکامل انسان در مسیر هدایت انبیاء است و این مهم ارزشش از حفظ جانها مهم تر است. بنابر اصل توحید، جامعه غیر دینی یک جامعه انسانی تلقی نمیشود و بر همین مبنا، ارزش فقرات این دعا روشن می‌شود. تحقق جامعه دینی و دفاع از آن نه تنها در عمل مطلوب است بلکه هر عضو از این جامعه ولو نتواند خود در مبارزه شرکت کند ولی قصد و همت شرکت در مبارزه را داشته باشد در حالیکه نمی‌تواند، و ازین رو به مبارزان خدمت می‌کند به عنایت دعای امام انشاء الله در زمره شهدا قرار خواهد گرفت. امام ۷ درین باره می‌فرماید: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَيْمًا مُسْلِمٍ أَهْمَةٌ أَمْرُ الْإِسْلَامِ، وَ أَخْزَنَةُ تَحْزُبُ أَهْلِ الشُّرْكِ عَلَيْهِمْ فَنَوَى غَرْوًا، أَوْ هَمَّ بِجِهَادٍ فَقَعَدَ بِهِ ضَعْفٌ، أَوْ أُبْطِطَتْ بِهِ فَاقَهُ، أَوْ آخَرَهُ عَنْهُ حَادِثٌ، أَوْ عَرَضَ لَهُ دُونَ إِرَادَتِهِ مَانِعٌ فَأَكْتَبَ اسْمَهُ فِي الْعَابِدِينَ وَ أَوْجِبَ لَهُ نَوَابِ الْمُجَاهِدِينَ وَ اجْعَلْهُ فِي نِظَامِ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ P بار خدایا و هر مسلمانی که کار اسلام و گرفتاری مسلمانان در برابر کفر او را نگران کند و گرد آمدن مشرکین او را اندوهگین سازد پس قصد جنگ با آنها یا طرفداری از دین نماید و ضعف و سستی او را از رفتن بجنگ بنشانند یا فقر و بی‌چیزی او را به نرفتن به جنگ وادارد یا پیشامدی او را از قصد و آهنگش بتاخیر اندازد پس نام او را در عبادت کنندگان بنویس و پاداش جهاد کنندگان را باو عطا فرما، و او را در رشته کشته شدگان در راه حق و شایستگان قرار ده (دعای ۱۷/۲۷). این امتیاز فقط در فرهنگ اسلامی وجود دارد و همین برای درک ارزش جهاد و جایگاه آن در نزد خداوند کافی خواهد بود. ترویج چنین تفکری به نوعی، خود با تقویت جبهه فرهنگی منجر به تقویت روحیه و توان دفاعی مبارزان در جبهه نظامی خواهد شد.

در پایان قابل ذکر است آنچه در این فقرات ذکر شد با نگاه به دو امت اسلام و شرک بیان شد. به تعبیری آنچه اهمیت دارد امت اسلام است و تقویت و پاسداری حدود امت اسلام است و یک

نگاه فرامرزی و ماورای اعتبارات جغرافیای امروزی در آن لحاظ شده است. این امری است که امروز امت اسلام از آن غافل است و باید برای بیداری ایشان چاره‌ای کرد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

آنچه که از آموزه‌های امام سجاد ۷ در صحیفه سجادیه پیرامون بحث امنیت بدست آمده است به قرار زیر است:

الف) چون محتوای صحیفه سجادیه توحیدگرایی است و نظام حقیقی انسانی مبتنی بر باور توحیدی است لذا در پرتو این کتاب ارزشمند خداواری تحقق می‌یابد. اگر این مهم کنار زده شود، امنیت معنا پیدا نمی‌کند. ایجاد جامعه امن کار بسیار دشواری است و تنها عده‌ای محدود از عهده آن برمی‌آیند که در خط انبیاء و دارای چنین ویژگی‌های بارزی باشند. بنابراین خداوند با فرستادن رهبران خود و پیروی مومنین از ایشان، این امر را محقق می‌کند.

ب) بستر مناسب تامین امنیت در جامعه با وجود انسان‌های صالح و با رعایت چند اصل کلی به وجود می‌آید و قابلیت دوام دارد. اصل تقویت و توسعه فرهنگی که شامل عمل به احکام شریعت و ترویج اصول اخلاقی که کارکرد ایجاد محیطی برای پرورش و جذب دیگر افراد جامعه و لو خطاکاران را دارد. اصل عزت نسبت به بیگانگان در قالب ایجاد قدرت اقتصادی و نظامی، که هم برای تعالی جامعه و هم حفظ آن از گزند دشمنان، ضروری است. هرگونه ضعف در برابر دشمن آثار جبران ناپذیری به دنبال دارد. لذا مقابله با دشمن نیازمند صبر و زمان طولانی و وحدت کلمه آحاد جامعه است. زیرا جامعه فقیر در نظم کنونی جهان ذلیل خواهد بود و این بهترین عامل سلطه دشمنان است.

ج) امنیت فردی و اجتماعی، زوال‌پذیر است و افراد جامعه نیز در برابر آن واکنش‌های مختلفی دارند. عده‌ای ثابت قدم در ایمان اما در معرض وسوسه‌های شیطان، و گروهی دیگر گرفتار در دام شیطان می‌شوند اما امید به نجاتشان هست. عده‌ای دیگر عامل به دستورات شیطان که امید به رستگاریشان نیست، با اجرای اصل تقویت و توسعه فرهنگی، همزمان می‌توان دو گروه اول و دوم را در برابر اینگونه از آسیب‌ها مصون داشت و از طرف دیگر در صورت آسیب، به جبران آن پرداخت. د) راه نجات از شر شیطان، توفیق الهی و رعایت تقوا است و امر به معروف و نهی از منکر که در حقیقت نظارت همگانی و مراقبت اجتماعی است، در مصونیت افراد جامعه از انحرافات گوناگون و قرار دادن افراد در مسیر اصلاح و فلاح بسیار مؤثر است.

در پایان تذکر نسبت به موارد زیر ضروری است:

معارف اهل بیت علیهم السلام به عنوان تنها منبع موجود مبین دین و قرآن، مطابق نیازهای انسان در مسیر سعادتش، شناخته می شوند. این معارف از آنرو که فارغ از هرگونه زمان، مکان، ملیت و فرهنگی هستند، یک میراث مهم علمی برای تمامی انسانها بشمار می آید و تنها متعلق به مسلمانها نیستند بلکه هر انسانی با زبان فطرت خود می تواند با این معارف ارتباط برقرار سازد. بدین جهت باید بیش از پیش مورد مطالعه دقیق قرار گیرند. صحیفه سجادیه تنها یکی از کتبی است که این معارف در آن جای دارد و مورد غفلت واقع شده است. انجام چنین پژوهشهایی موجب می شود ظرفیت غنی معارف موجود در اینگونه کتابها شناسانده شود تا انگیزه استفاده از این کتاب در دیگر رشته های مختلف علوم انسانی نیز توسط اساتید مربوط، بیشتر و بیشتر شود تا بتوان مسیر تولید علوم انسانی بر مدار دین و واقع را هموارتر ساخت و تنها به این منابع با عنوان کتب دعا و مطالبی که مربوط به زندگی شخصی انسان است نگرسته نشود آنگونه که برخی دین را از سیاست جدا می پندارند.

تبدیل زبان دین به زبان قانون، فرهنگ و ترجمه، تبیین و صدور آن به دیگر جوامع در قالب کتاب های جدید نیز امری است که باید به آن اهتمام داشت بگونه ای که نظریات مبتنی بر دین بتواند جامع نظریات فعلی و علاوه بر آن مکمل و تصحیح کننده این نظریات باشد تا مورد اقبال عموم متفکران قرار گیرد. این مهم با دقت در این معارف و تلاش در جهت پژوهش های نوین در این زمینه نیز حاصل خواهد شد انشاءالله.

همچنین ارائه ساختارهای متناسب با معارف دینی به صورت اصول کلی موجب می شود تا مسئولین بتوانند متناسب با این آموزه ها در طرح ریزی و اجرای مسائل مربوط به تامین امنیت و ارتقای آن و دیگر مسائل مدیریتی کشور به نتایج مطلوب تر و آینده نگری مطلوب برسند.

قدردانی

نویسندگان این پژوهش از تمام افرادی که در تهیه این پژوهش راهنمایی های ارزنده ای ارائه کرده اند تقدیر و تشکر می نمایند.

فهرست منابع

- Holy Quran.
Sahifa Sajjadiyeh.
- Abbas Nejad, Mohsen et al (2005), Quran - Psychology and Educational Sciences, Tehran: Quranic Research Foundation of the Seminary and University Publications.
- Abedi, Ahmad et al (2024), A comparative study of security-oriented criminal policy strategies against crimes against security, Afaq al-Mahmoud Quarterly, Year 17, Issue 64, Autumn.
- Adinehvand, Mohammad Reza (1998), Kalimat Allah Al-Olya, Translation and Analysis and Synthesis of the Holy Quran, Tehran: Osvah Publications.
- Akhavan Kazemi, Bahram (2015), Security Model in the Security School of the Islamic Republic of Iran, Quarterly Journal of Security Perspectives, Year 8, Issue 26, Spring.
- Alavi Razavi, Seyed Yahya et al (2020), Analysis of the most important factors affecting the currency crisis in 2018, Afaq al-Mahmoud Quarterly, Year 13, Issue 48, Autumn.
- Amin, Nosrat Beigum (No date), Interpretation of the Makhzan al-Irfan in the Sciences of the Quran, No place.
- Balaghi, Mohammad Javad (No date), Alaa al-Rahman fi Tafsir al-Quran, Qom: Vojdani Publications.
- Batoli, Seyyed Abolhasan et al. (2024), Strategic Analysis of the Consequences of Bank Arrears on the Economic Security of the Islamic Republic of Iran, Quarterly Journal of Security Perspectives, Year 17, Issue 62, Spring.
- Fadlallah, Muhammad Hussein (1998), Men Wahi al-Quran, Beirut: Dar al-Malak Publications.
- Faiz al-Islam, Ali Naqi (1997), Translation and commentary of Sahifa al-Sajjadiyah, Tehran: Faqih Publications.
- Faiz Kashani, Muhammad (1994), Tafsir al-Safi, Tehran: Maktaba al-Sadr Publications.
- Fakhr Razi, Muhammad Ibn Omar (1999), Al-Tafsir Al-Kabir, Beirut: Dar Ihya Al-Turath Al-Arabi Publications.
- Hilali, Salim ibn Qais (1984), Book of Salim ibn Qais al-Hilali, Qom: Al-Hadi Publications.
- Hosseini, Masoud Ali et al. (2019), The Future of British Influence in the Islamic Republic of Iran with a Security Approach in the Horizon of 2025, Quarterly Journal of the Perspectives of Security, Year 12, Issue 44, Fall
- Kalantari, Fathullah (2021), The position of military power in the realization of modern Islamic civilization, Quarterly Journal of Law Enforcement, Year 21, No. 4, Winter.
- Kashani, Fathullah (1921), Manhaj al-Sadiqin fi Elzam al-Mukhalafin, Tehran: Islamiyya Bookstore Publications.
- Khan Ahmadi, Ismail (2012), Sustainable Security in the Islamic Political System from the Perspective of Nahjul-Balagha, Quarterly Journal of the Perspectives of Security, Year 5, Issue 15, Summer.
- Kulayni, Muhammad ibn Yaqub (1990), Al-Kafi, translated by Seyyed Javad Mostafavi, Tehran: Islamiyya Bookstore Publications.
- Makarem Shirazi, Nasser et al (1992), Tafsir al-Nemune, Qom: Dar al-Kutob al-Islamiyya Publications.
- Moghniyah, Mohammad Javad (1999), Tafsir al-Kashif, translated by Musa Danesh, Qom: Bostan Ketab Publications.
- Moghniyah, Mohammad Javad (2009), Qiyamun Akhlaqiyya fi fiqh al-Imam Jafar al-Sadiq, translated by Ali Akbar Mahdipour, Qom: Tawalli Publications.

- Mousavi, Mohsen et al (2021), Explanation of the Model of Effective Human Relations in Order to Promote National Security Based on Quranic Teachings, Quarterly Journal of Security Horizons, Year 14, No. 53, Winter.
- Muezzin Jami, Mohammad Hadi (1999), Introduction to Security and Its Components, Quarterly Journal of Police Science Research, No. 1, Spring.
- Qurashi, Ali Akbar (1992), Dictionary of the Quran, Tehran: Dar al-Kutb al-Islamiyya Publications.
- Ragheb Esfahani, Hossein (1995), Mufradat Al-Fazl Al-Quran, Translated by Gholamreza Khosravi Hosseini, Tehran: Mortazavi Publications.
- Rezaei, Nima et al. (2024), A Study of Theoretical and Practical Cognitive Components of National Security in the 21st Century Using the Method of Analytical Anthology, Quarterly Journal of the Perspectives of Security, Year 17, Issue 65, Winter.
- Sadeghi Tehrani, Mohammad (2009), The translator of Furqan, a brief interpretation of the Holy Quran, Qom: Shokraneh Publications.
- Tabatabaei, Mohammad Hossein (1995), Al-Mizan fi Tafsir al-Quran, translated by Mohammad Baqer Mousavi, Qom: Qom Seminary Teachers' Association Publications.
- Tayeb, Abdul Hossein (1990), Atiab al-Bayan fi Tafsir al-Quran, Tehran: Islam Publications.

